



بررسی تطبیقی روایات فریقین در تشریح عمره تمتع

دکتر مجید معارف

استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران



چکیده

در دوره جاهلیت، حج و عمره به عنوان دو عبادت مستقل به شمار می آمده و در دو زمان مختلف از سال (عمره در ماه رجب، و حج در ماه های حج) برگزار می شده است. پس از ظهور اسلام، این دو عبادت با همان وضع از سوی مردم انجام می پذیرفت تا آنکه در سال دهم هجری و در جریان حجة الوداع به فرمان پیامبر (ص)، عمره هم زمان با ادای مناسک حج برگزار و بر انجام توأمان آن تا ابد تأکید شد. علی رغم تثبیت این حکم شرعی در روایات شیعه و سنی، در خصوص اصل تشریح عمره تمتع و نیز بقا یا نسخ آن اختلافاتی در روایات اهل سنت به چشم می خورد که این مقاله در صدد بررسی تطبیقی این موضوع در روایات شیعه و سنی و نیز داوری درباره اختلافات موجود است.

کلیدواژه ها

عمره تمتع، حج تمتع، حجة الوداع، حج افراد، حج قرآن، سنت نبوی، سیره معصومان (ع).

طرح مسئله

حج در اسلام به سه گونه تشریح شده که عبارت‌اند از: حج افراد، حج قرآن و حج تمتع. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۲۹۱/ صدوق، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۲۰۳/ طوسی، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۲۹/ حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۸، ص ۱۴۸/ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۶، ص ۹۵-۹۶/ نیز، ر.ک: محقق حلی، ج ۱، ص ۲۳۶/ بحرانی، بی تا، ج ۱۴، ص ۳۱۴) از این سه قسم «حج افراد»^۱ و «حج قرآن»^۲ از سابقه طولانی تری برخوردار بوده و حج تمتع در اواخر عمر پیامبر (ص) تشریح گردید. (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۵۲۰/ طباطبایی، ج ۲، ص ۷۵) حج تمتع به معنای قرین شدن مناسک عمره و حج در ماه‌های حج است که در دوره جاهلیت هر کدام در ماهی از ماه‌های سال برگزار می‌شد.

تأکید اسلام در برگزاری عمره و حج، در ماه‌های حج به سبب ایجاد رخصت شرعی برای حاجیان در استفاده از آن بخش از مواهب زندگانی- در فاصله عمره تا حج تمتع- است که با پوشیدن لباس احرام در نقطه میقات، استفاده از آن‌ها بر شخص محرم، ممنوع می‌گردد. بر اساس روایات موجود، این رخصت شرعی در زمان تشریح، حکم عمره تمتع با عدم رضایت برخی از صحابه روبه‌رو شده و پس از رحلت رسول خدا (ص) نیز در مدت کوتاهی با ممنوعیت مواجه گردید. سپس در خصوص نسخ یا بقای همین رخصت، اختلافاتی در میان صحابه و تابعان بروز کرده که بازتاب آن‌ها در روایات شیعه و سنی به چشم می‌خورد. این در شرایطی است که در روایات شیعه، حکم عمره تمتع به عنوان حکمی شرعی تلقی شده و همواره بر پاسداری از آن تأکید گردیده است. این مقاله در صدد بررسی فلسفه تشریح عمره تمتع از یک طرف و توجه به واکنش‌های متفاوت صحابه در مقابل این تشریح از

۱. حج افراد یا حج خالص به این معنی است که حج‌گزار با حضور در یکی از میقات‌های حج، صرفاً به نیت انجام مناسک حج، جامه احرام به تن کرده و لبیک می‌گوید. به عبارت دیگر، در این نوع از حج، عمره از حج در طول یک سفر متمایز خواهد بود و یا آنکه پس از انجام مناسک حج، عمره مفرده ادا خواهد شد. (ر.ک: بحرانی، بی تا، ج ۱۴، ص ۳۱۴/ محقق حلی، ج ۱، ص ۲۳۸)

۲. حج قرآن از نظر انجام مناسک و سایر شروط، مانند حج افراد است جز آنکه حج‌گزار از شهر و محل اقامت خود، خصوصاً از محل میقات، قربانی خود را به همراه بیاورد. (همان‌جاها و نیز، ر.ک: صدوق، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۲۰۳)

طرف دیگر است، ضمن آنکه نقش امامان شیعه در تثبیت و بقای این حکم شرعی مورد کاوش قرار می‌گیرد.

۱. تشریح عمره تمتع در حجة الوداع

تشریح عمره تمتع در اسلام، در حجة الوداع به وقوع پیوست و چگونگی تشریح آن در گزارش‌های مربوط به انجام مناسک حج پیامبر(ص) به تفصیل در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت وارد شده است. (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۲۴۴/ صدوق، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۵۳/ طوسی، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۳۰/ حر عاملی، ج ۸، ص ۱۶۴/ بخاری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۴۹-۶۵۵/ نیشابوری، بی تا، ج ۲، ص ۸۸۶-۸۹۲/ اندلسی، ص ۳۲۹) بر اساس برخی از این گزارش‌ها، رسول خدا(ص) در حجة الوداع- تنها حجی که پیامبر در عمر شریف خود به جای آورد- بعد از ورود به مکه و انجام طواف و نماز آن و نیز پس از فراغت از سعی صفا و مروه رو به مردم کرد و فرمود: «اینک این جبرئیل است- و اشاره به پشت سر خود کرد- که به من می‌گوید به شما فرمان دهم که هر کس با خود قربانی نیاورده از احرام خارج شود (و عمل خود را عمره قرار دهد)» (همان‌جاها، نیز، ر.ک: کلینی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۲۶۴/ طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۵۲۱-۵۲۲)

همچنین پیامبر(ص) فرمود: «اگر من آنچه تا کنون انجام داده‌ام، انجام نداده بودم همان کاری را که به شما فرمان دادم، انجام می‌دادم لیکن اکنون قربانی به همراه آورده و برای کسی که قربانی به همراه دارد، شایسته نیست که از احرام خارج شود مگر آنکه قربانی به قربانگاه برسد. در اینجا یکی از حاضران گفت: ما به حج آمده‌ایم که به دلیل تمتع از مواهب زندگانی آب غسل از سر و موی ما ریزان باشد؟ پیامبر(ص) به او فرمود: تو هیچ گاه به این حکم ایمان نخواهی آورد.^۱ در این هنگام سراقه بن مالک بن جشعم کنعانی گفت: "ای رسول خدا دین ما را به ما بیاموز که گویا امروز آفریده شده‌ایم. این دستوری که فرمودی ویژه امسال است یا برای همیشه" پیامبر(ص) به او فرمود: این دستور برای همیشه است تا روز قیامت. سپس

۱. این شخص بر اساس پاره‌ای از روایات، عمر بن خطاب بوده است. (مجلسی، ۱۳۷۹، ج ۱۷، ص ۱۱۳)

انگشتان خود را در هم فرو برد و گفت: این چنین حج و عمره تا روز قیامت به هم پیوسته گردید.» (برای تفصیل، ر.ک: کلینی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۲۶۴ / صدوق، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۵۳ / همو، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۱۷-۱۱۹ / حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۸، ص ۱۶۴ / نیشابوری، بی تا، ج ۲، ص ۸۸۶) پس از سخنان پیامبر (ص) گرچه حکم شرعی جدید برای پاره‌ای از صحابه غیر قابل قبول بود، به هر جهت اصحاب و همراهان پیامبر (ص) به دو گروه تقسیم شدند: نخست کسانی که از مدینه با خود قربانی به همراه نیاورده بودند که بیشتر آن‌ها، همراهان پیامبر (ص) را تشکیل داده و بانوان پیامبر (ص) و حضرت فاطمه (ع) نیز در شمار این گروه بودند. و این عده پس از تقصیر از لباس احرام خارج شده، عمل خود را عمره قرار دادند و از رخصت تمتع بهره‌برداری کردند. (همان جاها) و دیگر رسول خدا (ص) و عده‌ای از اصحاب آن بزرگوار چون ابوبکر، عمر، طلحه و زبیر و جز آن‌ها که از مدینه، قربانی به همراه خود آورده بودند که این عده در جامه احرام باقی ماندند و نتوانستند از رخصت تمتع استفاده کنند. (کاندهلوی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۸) طبق روایتی، امام علی (ع) که در این ایام در یمن به سر می‌برد، از آن دیار به مکه وارد گردید؛ پس از مشاهده فاطمه زهرا (ع) که از احرام خارج شده و لباس رنگی به تن کرده بود، ابتدا تعجب نمود، اما پس از توضیحات همسر خود، در جریان تشریح عمره تمتع قرار گرفت و متقاعد گشت. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۲۴۶ / ابوداود، ج ۲، ص ۱۵۸) علی (ع) سپس به خدمت رسول خدا (ص) رسید و گزارش مأموریت خود را تقدیم نمود. رسول خدا (ص) در ضمن آن سؤال کرد که ای علی با چه نیتی لباس احرام بر تن کردی؟ علی (ع) در پاسخ عرض کرد: به هنگام پوشیدن جامه احرام گفتم: خدایا من با همان نیتی محرم می‌شوم که پیامبر تو محرم شده است. و پیامبر (ص) فرمود: «پس تو هم بر حالت احرام باقی بمان زیرا تو در قربانی شریک من هستی و من از مدینه به نیت تو قربانی آورده‌ام.»^۱ (صدوق، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۵۳)

۱. طبق برخی از روایات، پیامبر (ص) از مدینه صد شتر به همراه آورده بود که از این تعداد ۳۴ شتر به نیت علی (ع) و ۶۶ شتر به نیت خود بود. (صدوق، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۵۳ / حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۸، ص ۱۶۴ / نیز: ر.ک: مفید، ج ۲، ص ۲۳۱ / بنیاد پژوهش‌های اسلامی، بی تا، ج ۸، ص ۵۹)

۲. جایگاه عمره تمتع در روایات اهل سنت

جدا از جایگاه عمره تمتع در جوامع حدیثی شیعه، این حکم در روایات اهل سنت نیز بازتاب وسیعی دارد، جز آنکه در این روایات، برخی از کراهت‌ها نیز در تشریح این حکم شرعی به وسیله پاره‌ای از صحابه مشاهده می‌گردد چنان‌که به موجب پاره‌ای از روایات، انجام این واجب الهی پس از رحلت پیامبر(ص) مدتی متوقف گردید. لذا می‌توان روایات موجود در مصادر اهل سنت را به دو دسته به شرح زیر تقسیم کرد:

۱-۲. روایات اهل سنت در تشریح عمره تمتع

این روایات در مصادر تفسیری و جوامع حدیثی اهل سنت وارد شده و از کثرت قابل توجهی برخوردار است. برای نمونه، ابن کثیر دمشقی در ذیل آیه «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» (بقره: ۱۹۶) آورده است: «احادیث بسیاری از طرق متعدد از انس بن مالک و جماعتی از صحابه وارد شده که رسول خدا(ص) در احرام خود بین حج و عمره جمع نمود. چنان‌که به طریق صحیح از آن حضرت آمده است که خطاب به اصحاب خود فرمود: «هرکه با خود قربانی به همراه آورده برای حج و عمره، توأمان محرم گردد» و نیز در صحیح آمده که فرمود: «عمره تا روز قیامت در حج داخل گردید.» (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۳۷) بغوی نیز از عایشه نقل کرده است: «ما در حجة الوداع همراه رسول خدا(ص) از مدینه خارج شدیم و برخی از ما به نیت عمره محرم گردید و برخی به نیت حج محرم شدند. کسانی که به قصد عمره محرم شده بودند، پس از انجام عمره از احرام خارج شدند، اما کسانی که به قصد حج یا حج عمره (به صورت توأمان) محرم شده بودند، تا روز عید در احرام باقی ماندند. (همان، ج ۱، ص ۱۶۶) نیز برای روایات دیگر، ر.ک: ابن عطیه، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۴۸/ خازن، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۲۵/ شوکانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۵/ آلوسی، ج ۲، ص ۸۳/ رشید رضا، ج ۲، ص ۲۲۵)

لازم است ذکر شود که گرچه در اقوال بیان شده بر انجام توأمان حج و عمره طی یک سفر- آن هم در حجة الوداع- تأکید شده است، به نظر می‌رسد که این احادیث که

غالباً در تفاسیر اثری وارد شده، دقت لازم در بیان تشریح عمره تمتع را ندارد. زیرا به موجب روایات صحیحی که در جوامع حدیثی وارد شده، عمره تمتع در اثنای حجة الوداع تشریح گردید و بسیاری از اصحاب را غافلگیر ساخت. به عبارت دقیق‌تر، پیامبر (ص) در پایان سعی چگونگی حج تمتع را - که شامل عمره و حج است - به مسلمانان آموخت. تا آن زمان در موسم حج، فقط حج افراد و حج قران را می‌شناختند و انجام دادن عمره در موسم حج را ناروا می‌دانستند. به همین جهت، برخی از مسلمانان با سختی این حکم را پذیرا شدند. (واتقی، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۶۵۶)

اما در مصادر حدیثی اهل سنت، روایات مربوط به تشریح عمره تمتع از سوی بسیاری از صحابه وارد شده که از جمله آن‌ها می‌توان به نام‌های جابر بن عبدالله انصاری، ابو سعید خدری، براء بن عازب، علی (ع)، انس بن مالک، ابوموسی اشعری، ابن عباس، عبدالله بن عمر، سبیره بن معبد جهنی، سراقه بن مالک، ابوذر غفاری، معقل بن یسار، فاطمه زهرا (س)، حفصه، عایشه و اسماء دختر ابوبکر اشاره کرد. (اندلسی، ص ۳۴۴) معروف‌ترین روایتی که در بردارنده گزارش کاملی از حج رسول خدا (ص) و نیز تشریح عمره تمتع در اثنای حجة الوداع است، حدیث جابر بن عبدالله انصاری است. در این حدیث که مخاطب آن، امام محمد باقر (ع) است، جابر ابن عبدالله در نقل خاطره خود از انجام حج در رکاب پیامبر خدا (ص) می‌گوید: «چون رسول خدا (ص) آخرین دور از سعی بین صفا و مروه را به جا آورد، خطاب به اصحاب خود فرمود: اگر من آنچه تا کنون انجام داده‌ام، انجام نداده و قربانی خود را حرکت نداده بودم، مناسب خود را عمره قرار می‌دادم. هم اینک آن‌که از شما قربانی به همراه نیاورده، از احرام خارج گردد و عمل خود را عمره قرار دهد». در اینجا سراقه بن مالک بن جعشم سؤال کرد: «ای رسول خدا این حکم ویژه امسال است یا تا ابد پا بر جاست؟» رسول خدا (ص) انگشتان خود را در هم فرو برد و دو مرتبه فرمود: «عمره داخل در حج گردید و سپس تأکید کرد بلکه تا ابد است تا ابد.» (نیشابوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۸۸/ر.ک: ابوداود، ج ۲، ص ۱۵۹ و ۱۶۰/نسائی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۲۲/ابن ماجه، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۹۱، ۹۹۲ و ۹۹۳/حاکم نیشابوری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۱ و ۳۳)

در حدیثی دیگر، ابوسعید خدری نقل می‌کند که ما با رسول خدا(ص) به قصد حج از مدینه خارج شده، و تلبیه سر دادیم، اما چون به مکه رسیدیم به ما دستور داد به جز کسانی که قربانی به همراه آورده‌اند، بقیه افراد عمل خود را عمره قرار دهند تا آنکه روز ترویبه (هشتم ذی‌الحجه) فرا رسید، در این روز مجدداً به قصد حج احرام بسته و عازم منی شدیم. (نیشابوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۱۴) و باز در حدیث دیگر، عبدالله بن عمر گوید: «رسول خدا(ص) در حجة الوداع، حج را به عمره تبدیل کرد به این صورت که آن حضرت از ذوالحلیفه قربانی به همراه آورد. پیامبر و همراهان او به قصد حج لبیک گفتند. برخی قربانی به همراه آورده بودند و برخی نه. اما چون همگان به مکه رسیدند پیامبر(ص) فرمود: کسانی که قربانی آورده‌اند، جایز نیست از احرام خارج شوند مگر آنکه حج را به پایان برند، اما کسانی که قربانی به همراه ندارند، خانه را طواف کرده به سعی صفا و مروه و سپس تقصیر اقدام کنند و پس از آن از احرام خارج گردند تا آنکه مجدداً (در روز ترویبه) برای حج لبیک گفته و قربانی به قربانگاه ببرند.» (سجستانی، ج ۲، ص ۱۶۰/ ر.ک: احادیث عایشه، براء بن عازب و اسماء بنت ابی‌بکر را در نسائی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۲۲/ ابن ماجه، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۹۳)

۲-۲. روایات مقابل با تشریح عمره تمتع

در مقابل روایاتی که در خصوص تشریح عمره تمتع در منابع اهل سنت وجود دارد، روایات دیگری نیز در همین مصادر جلب نظر می‌کند که تأکید بر انجام حج افراد یا حج قرن کرده و نظر به جدایی مراسم حج و عمره طی یک سفر دارد. برخی از این روایات، حکایت از سیره رسول خدا(ص) در این خصوص می‌کند. برخی از روایات، این مطلب را القا می‌کند که عمره تمتع تنها برای اصحاب پیامبر(ص) تشریح گردیده و قابل تسری به زمان‌های بعد نیست و برخی از روایات نیز حکایت از خودداری پاره‌ای از صحابه در انجام عمره تمتع، آن هم پس از رحلت رسول خدا(ص) دارد، ضمن آنکه مخالفت پاره‌ای دیگر از اصحاب پیامبر(ص) از جمله امام علی(ع) و ابن عمر در بی‌توجهی به منع عمره تمتع یادکردنی است. لذا به سبب

اهمیت این موضوع نمونه‌هایی از روایات ارائه و بررسی می‌شود:

۲-۲-۱. محمد بن منکدر از جابر نقل می‌کند که او گفت: «رسول خدا(ص) و ابوبکر و عمر به انجام حج افراد بسنده کردند.» (ابن ماجه، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۸۹ با عنوان «الافراد بالحج»)

۲-۲-۲. ابن عمر نقل می‌کند که: «ما با رسول خدا(ص) تنها برای حج افراد محرم شده و تلبیه گفتیم.» و در روایت دیگر ابن عون تصریح می‌کند که رسول خدا(ص) به حج افراد قیام نمود. (نیشابوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۰۵/ ابن انس، ۴۰۶، ج ۱، ص ۳۳۵) این روایت از قول عایشه نیز وارد شده است. (سجستانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۵۲ باب «فی الافراد بالحج»/ نسائی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۴۶ با عنوان «افراد الحج»)

۲-۲-۳. ابراهیم تیمی از پدرش نقل کرده است که او در ربهه با ابوذر ملاقات کرد و ابوذر به او گفت: عمره تمتع صرفاً برای ما (اصحاب پیامبر(ص)) وضع شد و ارتباطی به دیگران ندارد. در نقل دیگر از همان ابوذر آمده است که: انجام دو متعه حج و نساء رخصتی بود که تنها در اختیار اصحاب پیامبر(ص) قرار گرفت. (نیشابوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۹۷ به رقم‌های ۱۶۰-۱۶۴)

۲-۲-۴. ابوموسی اشعری می‌گوید: «او پس از رحلت رسول خدا(ص) تا ایام خلافت عمر به عمره تمتع فتوا می‌داد تا آنکه شنید خلیفه، فتوای جدیدی صادر کرده و طبق آن عمره تمتع را ممنوع کرده است. وی نظر عمر را جویا شد. خلیفه گفت: اگر بخواهیم نظر قرآن را عمل کنیم که می‌فرماید: «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» (بقره: ۱۹۶) و اگر بخواهیم مطابق سنت عمل کنیم که پیامبر(ص) تا وقتی که مبادرت به انجام قربانی نکرد، از احرام خارج نشد (نیشابوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۹۵/ بخاری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۵۰/ نسائی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۵۵) و بنا بر حدیث دیگر به ابوموسی گفت: می‌دانم که پیامبر(ص) و یاران او به عمره تمتع رخصت داده‌اند، اما کراهت دارم از اینکه مردم در اراک (منطقه نمره در عرفات) به تمتعات جنسی مشغول شوند، سپس در حالی که آب غسل از آنان ریزان است، عازم حج شوند. (نیشابوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۹۶/ ابن ماجه، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۹۲)

۲-۲-۵. سعید بن مسیب می‌گوید: «علی و عثمان هر دو در عسفان بودند. عثمان

مردم را از عمره تمتع نهی می‌کرد. ^۱ علی(ع) به او گفت: آیا از چیزی نهی می‌کنی که رسول خدا(ص) به آن فرمان داده است؟ عثمان گفت: ما را به حال خود واگذار. حضرت فرمود: نمی‌توانم، و چون عثمان را در عقیده خود مصمم یافت، خود به انجام حج و عمره فتوا داد. (همان، ج ۲، ۸۹۷/ ابن انس، ۴۰۶، ج ۱، ص ۳۳۶/ حاکم نیشابوری، ۴۱۷، ج ۲، ص ۳۳)

۳. نقد و بررسی روایات مخالف با جواز عمره تمتع

در مقام جمع‌بندی روایات مخالف با جواز عمره تمتع باید گفت آن دسته از روایاتی که حکایت از اجتناب پیامبر(ص) و برخی از همراهان او از انجام عمره تمتع در حجة الوداع دارد، روایاتی قابل قبول است و دلیل آن چنان‌که گذشت - قربانی به همراه داشتن پیامبر(ص) و همراهان ایشان بوده است؛ اما مطابق همان روایات، اکثر همراهان پیامبر(ص) از جمله همسران آن حضرت و حضرت فاطمه زهرا(ع) که قربانی به همراه نداشتند، پس از سعی صفا و مروه تقصیر کرده و عمل خود را عمره قرار دادند. اما روایاتی که رخصت عمره تمتع را ویژه اصحاب پیامبر(ص) اعلام می‌کند، قطعاً بر پایه جعل و یا برداشت شخصی صحابه و به عبارتی توهم آن‌ها وارد شده است. دلیل آن اولاً روایاتی است که تشریح عمره تمتع و قرین شدن عمره و حج در ماه‌های حج را به عنوان حکم ابدی اعلام کرده است. (ر.ک: ابن ماجه، بی تا، ج ۲، ص ۹۹۱/ نیشابوری، بی تا، ج ۲، ص ۸۸۶/ کلینی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۲۶۴/ صدوق، ۴۰۵، ج ۲، ص ۱۵۳) ثانیاً روایات متعددی در مصادر حدیثی اهل سنت وجود دارد که از نهی و تحریم عمره تمتع در ماه‌های حج به عنوان بدعتی از ناحیه عمر حکایت دارد. طبق این روایات تا وقتی عمر زنده بود، مردم را از عمره تمتع نهی می‌کرد. گویا خلیفه تصور می‌کرد که حکم عمره تمتع ویژه رسول خدا(ص) تشریح شده و پاسداری از آن، توسط مسلمانان، آن هم در

۱. عثمان هنگام دریافت خلافت متعهد شده بود که مطابق سیره شیخین عمل کند (طبری، بی تا، ج ۴، ص ۲۳۸/ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۸۸) لذا مردم را مطابق سیره عمر از عمره تمتع نهی می‌کرد.

همه دوره‌ها با قرآن تعارض دارد. (علی الحلو، ۱۳۸۷، ص ۱۷۶) از این رو، با تمام قدرت با آن به مقابله پرداخت و تهدید کرد که استفاده کنندگان از عمره تمتع را سنگسار نماید. (شرف الدین، ۱۳۹۶ق، ص ۲۱۴-۲۱۵) نهی او مورد تبعیت عده زیادی از اصحاب قرار گرفت، اما به مجرد آنکه وی از دنیا رفت، در خصوص جواز یا عدم جواز عمره تمتع بین اصحاب پیامبر(ص) اختلاف در گرفت. برخی طالب اعتبار حکم عمر بودند. اما اکثر اصحاب به دلیل آنکه در نسخ عمره تمتع، آیه و سنتی وجود نداشت و نهی از عمره تمتع، تنها بر پایه نهی عمر وارد شده بود، مجدداً متمایل به انجام آن شدند. روایات زیر حاکی از همین اختلافات ذکر شده دارد:

۳-۱. مطرف بن عبدالله ضمن حدیثی از عمران بن حصین نقل می‌کند که: «رسول خدا(ص) بین حج و عمره را جمع کرد و پس از آن، نه آیه‌ای در مقام نسخ این حکم نازل شد و نه رسول خدا(ص) از انجام عمره نهی فرمود تا آنکه شخصی به رأی و اجتهاد خود، در آنچه خواست فتوایی صادر کرد.» (نیشابوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۹۹/ نیز برای روایات دیگر، ر.ک: همان‌جا، شماره ۱۶۵-۱۷۳/ ابن ماجه، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۹۱/ نسائی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۵۵)

۳-۲. عمر بن عبدالله بن حارث می‌گوید: «سعد بن ابی وقاص و ضحاک بن قیس، درباره جواز عمره تمتع در ماه‌های حج با هم سخن می‌گفتند. ضحاک معتقد بود که این کار را جز جاهلان به امر خدا کس دیگر انجام نمی‌دهد، اما سعد به او گفت: ای برادرزاده، تو رأی بد و ناصوابی داری. ضحاک گفت: عمر بن خطاب از عمره تمتع نهی کرده است، اما سعد گفت: ولی رسول خدا(ص) آن را انجام داده است. (منظور این است که به آن فرمان داده است) و ما نیز همراه پیامبر(ص) آن را انجام دادیم.» (ترمذی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۸۵/ نسائی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۵۳ با عنوان «التمتع»)

۳-۳. یکی از اهالی شام، نظر عبدالله را درباره عمره تمتع جویا شد. وی گفت: کاری حلال و جایز است. سؤال گفت: اما پدر تو از آن نهی کرده است. عبدالله بن عمر گفت: اگر پدر من از عمره تمتع نهی کرده باشد، اما در همان حال رسول خدا(ص) به آن فرمان داده باشد، به نظر تو فرمان پدرم قابل پیروی است یا حکم

رسول خدا(ص)؟ مرد شامی گفت البته امر و فرمان رسول خدا(ص). عبدالله بن عمر گفت: پس بدان که رسول خدا(ص) به چنین کاری فرمان داده است.» (همانجا)

۴. علت تشریح عمره تمتع ضمن ماه‌های حج

از روایات گذشته به دست آمد که عمره تمتع در حجة الوداع تشریح گردید و به فاصله کوتاهی بعد از آن، رسول خدا(ص) از دنیا رفت، در نتیجه این حکم به عنوان سنت آن بزرگوار باقی ماند که تا امروز نیز به قدرت و اعتبار خود باقی است، زیرا کراهت عده‌ای از اصحاب پیامبر(ص) در زمان تشریح این حکم و نهی آن پس از رحلت رسول خدا(ص) نتوانست اعتبار عمره تمتع را حتی در بین اهل سنت با خطر جدی روبه‌رو سازد. اما دلیل تشریح عمره تمتع از سوی رسول خدا(ص) چه بود؟ در پاسخ باید گفت: به طوری که از روایات تاریخی به دست می‌آید، در دوران جاهلیت مردم در ماه‌های حج، تنها به قصد حج محرم شده و روز عید قربان— که قربانی و حلق (یا تقصیر) صورت می‌گرفت— در لباس احرام باقی می‌ماندند. آنان برای انجام مناسک عمره در ماه‌های دیگر، خاصه ماه رجب محرم شده و عازم زیارت خانه خدا می‌شدند و به عنوان یک رسم قدیمی معتقد بودند که وقتی زخم مرکب سواری حج بهبود یافت و بر آن کرک روید و ماه صفر فرا رسید، انجام عمره جایز می‌گردد. (نیشابوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۱۰/ واثقی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۷) اما این نحوه انجام مناسک عمره در عمل، از دو ناحیه مشکلاتی برای مردم به وجود می‌آورد که عبارت بود از:

۴-۱. تعدد سفرهای زیارتی به مکه

به این معنی که طالبان «حج» و «عمره» برای انجام این دو عبادت، مجبور به انجام حداقل دو سفر در سال باشند. یعنی در ماه‌های حج به قصد «حج» و در ماه‌های دیگر خصوصاً ماه رجب به قصد «عمره مفرده» بار سفر به سوی مکه بریندند. این کار چه از جهت صرف هزینه، و چه از جهت دوری راه و خطرهای سفر، مشقاتی برای زائران در بر داشت. (رشید رضا، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۵) همچنین

توسعه تدریجی سرزمین‌های اسلامی و زیاد شدن مسلمانان به حجم این مشکلات اضافه می‌کرد و این، احتمال تعطیلی سنت عمره را در پی داشت، حال آنکه از آیه «وَأْتُمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» (بقره: ۱۹۳) و برخی از روایات^۱ به دست می‌آید که حج و عمره هر دو مد نظر خدای تبارک و تعالی بوده، در نتیجه بر مسلمانان واجب شده است. (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۵۱۸/ محقق حلی، ج ۱، ص ۳۰۱)

۲-۴. باقی ماندن ایام طولانی در حال احرام

می‌دانیم که پس از لبیک گفتن حج گزار در میقات، ۲۴ چیز بر شخص محرم، حرام می‌گردد. تا قبل از تشریح عمره تمتع، حاجیان موظف به حفظ وضعیت احرام تا روز عید قربان بودند و تنها در این روز بود که پس از انجام قربانی و سپس حلق یا تقصیر مجاز به خروج از حالت احرام می‌شدند. اما باقی بودن در حالت احرام برای حاجی آن هم به مدت طولانی که گاه یک هفته تا ده روز طول می‌کشید، مشکلات متعددی در پی داشت که گاه به فساد حج و یا تحمل کفارات سنگین بر حج گزار منجر می‌گشت. با تشریح عمره تمتع و خروج از لباس احرام تا روز ترویبه^۲، مشکلات ناشی از احرام به حداقل رسیده و حاجی با آسایش بهتر آماده برگزاری مناسک حج در عرفات، مشعر و منی می‌گردید. ضمن آنکه طی یک سفر از ثواب و فضیلت دو عبادت شرعی یعنی «حج» و «عمره» بهرمنند می‌شد و این فلسفه دیگری در تشریح «عمره تمتع» به شمار می‌رود. اما رضاع(ع) در این باره می‌فرماید: «مردم به انجام عمره تمتع مأمور شدند تا تخفیف و رخصتی برای آنان از

۱. امام رضاع(ع) در حدیثی می‌فرماید: «... و ان یكون الحج و العمرة واجبین جمیعاً فلا تعطل العمرة و لا یكون الحج مفرداً من العمرة» (صدوق، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۵۷ و ۲۵۸) و نیز زراره از امام باقر(ع) نقل می‌کند که فرمود: «ان العمرة واجبه بمنزلة الحج لان الله یقول: "وَأْتُمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ" هی واجبه مثل الحج و من تمتع اجزاء و العمرة فی اشهر الحج تمتعه» (عباشی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۰۶/ نیز ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶، ص ۹۷) در عین حال متذکر می‌شود برای کسانی که برای انجام مناسک حج به استطاعت نرسیده‌اند، انجام مناسک عمره به تنهایی الزامی ندارد.

۲. روز ترویبه، همان روز هشتم ذی‌الحجه است که حاجیان در این روز، آب را از مکه به صحرای عرفات منتقل می‌کردند. (جزری، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۵۵/ صدوق، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۴۱)

جانب پروردگار باشد و نیز مناسک مردم در زمان احرام آنان سالم ماند، همچنین به سبب طولانی شدن زمان احرام، این مناسک باطل و فاسد نگردد و چون حج و عمره هر دو واجب هستند (با فاصله هر دو را در یک سفر انجام دهند) مبدا که مناسک عمره، ضایع و تعطیل شود و حج به تنهایی و جدا از عمره برگزار شود.» (صدوق، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۵۷ و ۲۵۸ / حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۸، ص ۱۶۵)

۵. پاسداری از عمره تمتع در سیره معصومان(ع)

از عواملی که سبب بقای حکم شرعی عمره تمتع گردید، جانبداری امامان اهل بیت(ع) از سنت عمره تمتع بود. این جانبداری از زمان امام علی(ع) شروع شده که قبلاً قرائن آن گذشت. و در دوره امامان بعد به عنوان یک سیره ثابت بر آن تأکید گردید. به طوری که امام باقر(ع) به یکی از یاران خود به نام عطیه توصیه فرمود که اگر هزاران بار توفیق انجام حج به دست آورد، جز به حج تمتع نیندیشد و هرگز حج خود را، حج افراد قرار ندهد. (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۳۴) و نیز امام صادق(ع) در سخنی اظهار فرمود که ما (اهل بیت) جز حج تمتع، حج دیگری به رسمیت نمی‌شناسیم و چون فردای قیامت، خدای خود را ملاقات کنیم گوییم: بار پروردگارا، ما به کتاب تو و سنت پیامبرت عمل کردیم، در همان حال مردم نیز گویند: ما به رأی و نظر خود عمل کردیم و در این حال خداوند ما و آنها را در موضعی که صلاح بداند، قرار دهد. (همان، ج ۵، ص ۳۲)

به این منظور، امامان مذهب از حج تمتع به عنوان برترین نوع حج یاد کرده و انجام آن را همواره به شیعیان سفارش می‌کردند، اما انجام انواع دیگر حج از نظر امامان(ع) تنها در شرایط اضطرار و ضرورت توصیه می‌گشت، روایات زیر گواه سیره معصومان(ع) در پاسداری از حکم شرعی عمره تمتع در شرایط عادی و انجام انواع دیگر در شرایط خاص است:

۱. برای اطلاع از برترین نوع حج از نظر شیعه و مقایسه آن با سایر مذاهب اسلامی، ر.ک: جزیری، ۱۳۵۸، ص ۶۹۰-۶۹۳ / کاندهلوی، ۱۳۹۱، ص ۳۶-۳۷ / کلینی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۲۹۱ / صدوق، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۲۰۴ / طوسی، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۳۵ / نیز ر.ک: معارف، ۱۳۸۵)

۵-۱. ابو ایوب ابراهیم بن عیسی گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم که کدام یک از اقسام حج بر انواع دیگر آن برتری دارد. فرمود: حج تمتع فضیلت بیشتری دارد. چگونه امکان دارد حجی بهتر از حج تمتع باشد با آنکه رسول خدا(ص) آرزو می کرد و می گفت: اگر آنچه تا کنون انجام داده ام، انجام نداده بودم، امروز حج خود را به همان صورتی انجام می دادم که دیگران انجام می دهند. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۲۹۱/ صدوق، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۲۰۴/ طوسی، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۳۵)

۵-۲. عبدالملک بن عمر می گوید که وی از امام صادق(ع) درباره تمتع در فاصله عمره تا حج سؤال کرد، آن حضرت به استفاده از تمتع سفارش کرد، اما از قضا در همان سال حج افراد به جا آورد. من سؤال کردم خدا عاقبت کار شما را به صلاح آورد، شما مرا به تمتع از مواهب عمره فرمان دادی اما خود حج افراد گزارده ای؟ فرمود: به خدا فضل و برتری در همان کاری است که به تو فرمان دادم، اما من پیر و ضعیف شده ام و برای من انجام مکرر سعی بین صفا و مرده دشوار است، لذا به حج افراد مبادرت کردم. (کلینی، همان، ص ۲۹۲/ طوسی، همان، ص ۳۴/ حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۲۴۹)

۵-۳. احمد بن محمد بن ابی نصر می گوید: در سالی که امام جواد عازم حج بود- یعنی سال ۲۱۲ هجری- سؤال کردم: فدای شما گردم، شما با چه نیتی وارد مکه شده اید، حج افراد یا حج تمتع؟ فرمود: حج تمتع. من گفتم: کدام یک از اقسام حج فضیلت بیشتری دارد حج تمتع، یا حج افراد و همراه داشتن قربانی از میقات؟ فرمود: ابوجعفر (امام باقر(ع)) توصیه کرده است که انجام حج تمتع بر انجام حج افراد و آوردن قربانی ارجحیت دارد. (طوسی، همان، ص ۳۶/ حر عاملی، همان، ص ۲۴۹)

نتیجه گیری

۱. عمره تمتع به عنوان یک حکم شرعی ثابت، در حجة الوداع تشریح گردید.
۲. پس از رحلت پیامبر(ص) در مورد بقا یا نسخ این حکم شرعی، اختلافاتی بین صحابه پدید آمد، اما به دلیل حمایت قاطع اهل بیت(ع) و برخی از صحابه پیامبر(ص)، اعتبار این حکم پابرجا ماند.
۳. در روایات امامان اهل بیت(ع) حج تمتع یادگار سنت نبوی بوده و برترین نوع حج است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، سید محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن و...؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۳. ابن ابی الحدید معتزلی، عزالدین؛ شرح نهج البلاغه؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۸ق.
۴. اندلسی قرطبی، ابن حزم؛ حجة الوداع؛ ریاض: بیت الافکار الدولی، ۱۴۱۸ق.
۵. ابن انس، مالک؛ الموطأ؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق.
۶. ابن عطیه آندلسی، عبدالحق؛ تفسیر المحرر الوجیز؛ تحقیق احمد صادق ملاح، قاهره: بی نا، بی تا.
۷. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل؛ تفسیر القرآن العظیم؛ بیروت: دار المعرفه، ۱۴۰۶ق.
۸. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید؛ السنن؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، بی تا.
۹. بحرانی، یوسف؛ الحدائق الناضره؛ قم: جامعه مدرسین، بی تا.
۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ الصحیح؛ بیروت: دار القلم، ۱۴۰۷ق.
۱۱. بنیاد پژوهش های اسلامی؛ سنن النبی؛ به اشراف کاظم مدیر شانه چی، بی تا.
۱۲. بهبودی، محمدباقر؛ گزیده کافی؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳ق.
۱۳. ترمذی، محمد بن عیسی؛ السنن؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
۱۴. جزری، ابن اثیر مبارک بن محمد؛ النهایة فی غریب الحدیث و الاثر؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۱۵. جزیری، عبدالرحمن؛ الفقه علی المذاهب الاربعه؛ مکه: دار الدعوة، ۱۳۵۸.
۱۶. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله؛ المستدرک علی الصحیحین؛ بی جا: دار الحرمین للطباعة و النشر، ۱۴۱۷ق.
۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن؛ تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه؛ بی جا: المکتبه الاسلامیه، ۱۴۱۶ق.
۱۸. خازن، علی بن محمد بن ابراهیم؛ لباب التأویل فی معانی التنزیل مشهور به تفسیر خازن؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۱۹. رشید رضا، سید محمد و محمد عبده؛ تفسیر المنار؛ بیروت: دار الفکر، بی تا.
۲۰. سجستانی، ابوداود سلیمان بن اشعث؛ السنن؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۱. شوکانی، محمد بن علی؛ تفسیر فتح القادیر الجامع...؛ بیروت: دار المعرفه، بی تا.
۲۲. شرف الدین، سید عبدالحسین؛ اجتهاد در مقابل نص؛ ترجمه علی دورانی، بی جا: نشر کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۹۶ق.
۲۳. صدوق، محمد بن علی؛ من لایحضره الفقیه؛ بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ق.
۲۴. _____؛ علل الشرایع؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
۲۵. _____؛ عیون اخبار الرضا؛ ترجمه غفاری و مستفید، بی جا: نشر صدوق، ۱۳۷۳ش.

۱۰۴ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸

۲۶. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: منشورات اعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۲۷. طبری، محب‌الدین؛ حجة المصطفی؛ سوریه: دار اطلس، ۱۴۲۳ق.
۲۸. طبری، محمد بن جریر؛ تاریخ الامم و الملوک معروف به تاریخ طبری؛ تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، بی تا.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان لعلوم القرآن؛ بیروت: دار المعرفه، ۱۴۰۸ق.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن؛ تهذیب الاحکام، بی جا: نشر صدوق، ۱۳۷۶ق.
۳۱. علی الحلو، سید محمد؛ تاریخ حدیث نبوی در حلقه حاکمیت متن و متن حاکمیت؛ ترجمه احمد ناظم، مؤسسه دار الکتب الاسلامی، ۱۳۸۷ش.
۳۲. عیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر العیاشی؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.
۳۳. کاندهلوی، محمد زکریا؛ حجة الوداع و جزء عمرات النبی؛ بیروت: منشورات المجلس العلمی، ۱۳۹۱ق.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
۳۵. مجلسی، محمدباقر؛ مرآة العقول؛ تهران: دار الکتب السلامیه، ۱۳۷۹ش.
۳۶. _____؛ بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۳۷. محقق حلّی، ابوالقاسم جعفر بن حسن؛ شرایع الاسلام؛ بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۳ق.
۳۸. معارف، مجید؛ «حج برتر در سنت نبوی»؛ میقات حج، شماره ۵۶، ۱۳۸۵ش.
۳۹. مفید، محمد بن نعمان؛ الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۴۰. میدانی، فیض بن علی؛ احوال النبی فی الحج؛ ریاض: مؤسسه صلاح محمد سلیم، ۱۴۲۱ق.
۴۱. نسائی، احمد بن شعیب؛ السنن؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، بی تا.
۴۲. نیشابوری، مسلم بن حجاج؛ صحیح مسلم؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴۳. وائقی، حسین؛ همگام با پیامبر در حجة الوداع؛ قم: نشر دانش، ۱۳۸۳ش.
۴۴. _____؛ «مدخل حجة الوداع» دانشنامه جهان اسلام، شماره ۱۲، ۱۳۸۷ش.